

# چشم‌انداز امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران

حسین قریب\*

## چکیده

امنیت ملی، قلمروهای مختلفی از جمله «امنیت غذایی» را شامل می‌شود. افزایش ضریب امنیت غذایی یکی از خواسته‌های محورین نخبگان سیاسی کشورهای جهان می‌باشد. به‌رغم تأکیدهای به‌عمل‌آمده در برنامه‌های توسعه ج.ا.ایران بر ضرورت خودکفایی کشاورزی و افزایش ضریب امنیت غذایی، عملکردها گویای شکاف نسبی با اهداف مورد نظر می‌باشد. این امر در سال‌های اخیر با شرایط نامناسب‌تری مواجه شده است. از جمله دلایل تعیین‌کننده در کاهش ضریب امنیت غذایی در سال‌های اخیر باید به فقدان جامع‌نگری نسبت به رفع موانع انگیزشی تولیدکنندگان و همچنین برخورداری از درآمدهای هنگفت ارزی اشاره داشت که زمینه افزایش واردات نهاده‌ها و محصولات و کالاهای کشاورزی را فراهم ساخته است. به دلیل تداوم چالش‌های مذکور و همچنین اجرای ناقص قانون هدفمندی یارانه‌ها، چشم‌انداز آتی وضعیت امنیت غذایی کشور همچنان نامناسب‌تر ارزیابی می‌گردد. این مقاله ضمن اثبات فرضیه مذکور، به راهکارهای افزایش ضریب امنیت غذایی پرداخته و از آن جمله به تجدید نظر در «سیاست‌های قیمت‌گذاری» و «سیاست‌های وارداتی» تأکید نموده است.

## واژگان کلیدی

امنیت غذایی، قیمت، انگیزه تولیدکنندگان، واردات کالا.

\* دکتری مطالعات امنیت ملی و عضو شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
Email:hgharib37@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۷/۲۰

تاریخ ارسال: ۹۱/۰۲/۲۵

فصلنامه راهبرد / سال بیست و یکم / شماره ۶۵ / زمستان ۱۳۹۱ / صص ۳۶۹-۳۴۵

## مقدمه

تأمین «امنیت ملی»، در زمره اصلی‌ترین اهداف کلان حاکمیت‌های سیاسی محسوب می‌شود. امنیت ملی شامل قلمروهای مختلفی از جمله «امنیت غذایی» است. امروزه ارتقاء ضریب امنیت غذایی یکی از خواسته‌های اصلی نخبگان سیاسی کشورهای جهان می‌باشد و حتی این امر در کشورهای صنعتی از حساسیت فراوانی برخوردار است.

در ایران نیز که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی همواره به مقوله خودکفایی در محصولات کشاورزی تأکید می‌شده و آن را در قانون‌های برنامه‌های توسعه مد نظر قرار داده، به «امنیت غذایی» توجه فراوانی داشته و خواهان افزایش ضریب آن بوده است؛ با این حال و به‌رغم تأکیدهای مختلف و حساسیت‌های ویژه برای نیل به آن، در سال‌های اخیر شاهد کاهش ضریب امنیت غذایی بوده‌ایم.

سؤال اصلی مقاله این است که: «چرا در سال‌های اخیر ضریب امنیت غذایی کاهش یافته و چشم‌انداز سال‌های آتی چگونه می‌باشد؟» برای پاسخ به این سؤال، فرضیه زیر تنظیم گردیده است: «فقدان جامع‌نگری نسبت به رفع موانع انگیزشی تولیدکنندگان و

سیاست‌های نادرست تعرفه‌ای و همچنین برخورداری از درآمدهای هنگفت ارزی، زمینه افزایش واردات نهاده‌ها و محصولات و کالاهای کشاورزی را فراهم ساخته و منجر به کاهش ضریب خودکفایی و امنیت غذایی در کشور گردیده است.»

برای آزمون فرضیه، ابتدا مروری به تعاریف و تشریح شاخص‌های امنیت غذایی خواهد شد و سپس به رویکرد شماری از کشورها به موضوع امنیت غذایی اشاره و در پی آن به وضعیت کنونی امنیت غذایی در ایران و همچنین ریشه‌یابی چالش‌های مربوطه پرداخته می‌شود. در پایان نیز راهکارهایی برای افزایش ضریب امنیت غذایی ارائه خواهد گردید.

## ۱- امنیت غذایی

امنیت غذایی یکی از وجوه مهم امنیت ملی است، بدین معنا که عرضه یک سطح بهینه امنیت ملی، مستلزم تدارک سطح بهینه امنیت غذایی می‌باشد. تاریخ روابط بین کشورها نشان می‌دهد که کشورهای قدرتمند در بیشتر موارد از سلاح مواد غذایی به‌مثابه حربه‌ای سیاسی و برای ایجاد فشار هر چه بیشتر علیه کشورهای دیگر استفاده می‌کنند. امنیت غذایی دارای تعاریف مختلفی است که بررسی تاریخی آنها روند تکامل

یک زندگی فعال و سالم فراهم آورد» (FAO, 2001, pp.4-5).

بر اساس دو تعریف اخیر، مفاهیم اصلی امنیت غذایی را می‌توان در «غذای کافی»، «دسترسی»، «زمان»، «زندگی سالم و فعال» خلاصه نمود. بدین معنا که تحقق امنیت غذایی و کیفیت و ضریب آن، منوط به کیفیت تحقق مفاهیم مزبور می‌باشد. همچنین باید گفت تأمین امنیت غذایی به مشارکت کلیه بخش‌های اقتصادی - اجتماعی بستگی دارد، در عین حال بخش کشاورزی با افزایش و بهبود کیفیت تولیدات مواد غذایی، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای را در تحقق امنیت غذایی عهده‌دار می‌باشد.

برای ارزیابی وضعیت امنیت غذایی، شاخص‌های مختلفی وجود دارد. اصلی‌ترین شاخص‌ها را می‌توان در نسبت واردات به تقاضای کل و همچنین نسبت تولید داخلی بخش کشاورزی به تقاضای کل جامعه خلاصه کرد. بدین معنی که با افزایش «واردات» ضریب امنیت غذایی کاهش و با افزایش تولید داخلی، ضریب امنیت غذایی افزایش خواهد یافت. واردات در بخش کشاورزی شامل نهاده‌ها و همچنین محصولات و کالاهای آماده مصرف می‌باشد که در ادامه تشریح می‌شوند:

نگرش جهانی را نسبت به اهمیت آن نمایان می‌سازد. در سال ۱۹۷۵ سازمان ملل متحد امنیت غذایی را چنین تعریف کرد: «امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید قیمت غذا» (قاسمی، ۱۳۷۳، صص ۱۳-۱۲).

در سال ۱۹۸۴، سازمان خواربار کشاورزی ملل متحد (FAO) این تعریف را پیشنهاد کرد: «امنیت غذایی یعنی اطمینان از اینکه همه مردم در همه اوقات به غذاهای اصلی مورد نیاز خویش دسترسی فیزیکی و اقتصادی دارند» (FAO, 2001, p.4). همچنین بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ امنیت غذایی را اینگونه تعریف کرد: «امنیت غذایی عبارت است از دسترسی همه مردم به غذای کافی در تمام اوقات به منظور یک زندگی سالم و فعال» (قاسمی، ۱۳۷۳، صص ۱۳-۱۲).

اجلاس جهانی غذا نیز در سال ۱۹۹۶ آخرین تعریف امنیت غذایی را به شرح زیر اعلام نمود:

«امنیت غذایی آنگاه وجود دارد که همه مردم در تمامی ایام به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته و غذای در دسترس نیز نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای

## ۲. واردات بخش کشاورزی و امنیت غذایی

### ۱-۲. واردات نهاده‌ها

واردات نهاده‌ها یکی از اجزاء واردات بخش کشاورزی است که دارای رویکردهای مختلف می‌باشد. واردات نهاده‌ها از یکسو برای تولید محصول و کالا برای مصرف در داخل است و از سوی دیگر می‌تواند در راستای تولید محصول برای صادرات صورت پذیرد. بنابر این واردات نهاده‌ها لزوماً به کاهش ضریب امنیت غذایی نمی‌انجامد. اگر واردات نهاده‌ها به افزایش اشتغال و رونق فضای کسب و کار، توأم با افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی و در نهایت افزایش رشد تولید ناخالص داخلی بینجامد، قابل توجیه و حمایت است و هرگاه واردات نهاده‌ها به ارزش افزوده بیشتر منجر نگردد، موجب کاهش ضریب امنیت غذایی خواهد شد و باید مورد تجدید نظر قرار گیرد.

### ۲-۲. واردات کالا و محصولات کشاورزی

واردات کالاها و محصولات کشاورزی از دیگر اجزاء واردات است که همواره به کاهش ضریب امنیت غذایی می‌انجامد. هرگاه کشوری دارای زمینه‌های تولید داخلی

محصولات و کالاهای وارداتی باشد، ولی به سبب عدم حمایت‌های لازم نتواند از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ملی بهره‌برداری لازم را به‌عمل آورد، ضریب امنیت ملی دارای وضعیت نگران‌کننده‌تری خواهد بود؛ چرا که تولید داخلی برطرف‌کننده نیازهای وارداتی است و حال آنکه حجم واقعی واردات نیز به میزان ارزش موجود و قیمت‌های جهانی وابسته است. از این‌رو با در نظر گرفتن موارد فوق، نمی‌توان به واردات به عنوان راه حلی مناسب در امنیت غذایی نگاه کرد، بلکه باید به درجه خودکفایی بالا و وابستگی کمتر به واردات تأکید نمود.

### ۳. مدیریت امنیت غذایی در چند کشور منتخب

به‌جهت آشنایی با اهمیت امنیت غذایی در کشورهای جهان به دیدگاه برخی از کشورهای صنعتی و چند کشور که مزیت‌های طبیعی نیز نداشته؛ ولی تماماً نسبت به تولیدات کشاورزی و موضوع امنیت غذایی توجه دارند، اشاره می‌شود.

کشورهای عضو اتحادیه اروپایی که دارای صنایع پیشرو و مدرن هستند، اهمیت فراوانی را نسبت به امنیت غذایی خود قائل می‌باشند و همواره یارانه‌های قابل توجهی را برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی در

داخلی این کشور را فراهم آورد. به‌رغم اینکه زمین کشاورزی در کشور ژاپن محدود است و قیمت محصولات کشاورزی داخلی آن بسیار بالاتر از قیمت‌های جهانی می‌باشد، ولی نخبگان سیاسی ژاپن نسبت به حفظ ظرفیت‌های تولید داخلی در بخش کشاورزی حساسیت فراوانی دارند و با استفاده از فناوری‌های نوین در بخش کشاورزی به ویژه در کشت‌های گلخانه‌ای سعی می‌شود که مزیت‌های رقابتی خود را حفظ نمایند و امنیت غذایی خود را ارتقاء دهند. ژاپن دارای ارتباطات جهانی وسیع و گسترده‌ای است و از این‌رو نسبت به تأمین اقلام غذایی مورد نیاز از طریق واردات خود دارای چالش نمی‌باشد، اما نخبگان سیاسی این کشور با احتمال وقوع جنگ وسیع و گسترده دیگر و همچنین سایر نکات مورد نظر، وابستگی خود را به واردات اقلام غذایی محدود می‌سازند و در پی افزایش ضریب امنیت غذایی با افزایش تولیدات کشاورزی هستند.

در کشور عربستان نیز به امنیت غذایی اهمیت ویژه‌ای داده می‌شود. عربستان یک کشور نفتی ثروتمند، دارای اراضی خشک و بی‌آب و علف می‌باشد. این کشور نیز به‌رغم داشتن روابط خارجی خوب با دنیای خارج و توان مالی بالا برای واردات محصولات

بخش کشاورزی هزینه می‌نمایند. بر اساس آمارهای جهانی کشورهای صنعتی اروپایی روزانه حدود یک میلیارد دلار صرف یارانه‌های تولید بخش کشاورزی می‌نمایند تا امنیت غذایی آنها مورد تهدید واقع نگردد. از آنجا که تخصیص یارانه تولید با مبانی سازمان تجارت جهانی در تضاد می‌باشد، همواره در مذاکرات سازمان مزبور، سایر کشورهای جهان نسبت به تخصیص هزینه یارانه تولید بخش کشاورزی از سوی کشورهای اروپایی اعتراض می‌کنند که آنها نیز بدون توجه به دامنه اعتراضات کماکان نسبت به تخصیص یارانه‌ها که در طی سال بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار می‌گردد، اقدام می‌نمایند و دلیل اصلی این اقدام خود را اهمیت و حساسیت تأمین امنیت غذایی برای اروپا عنوان می‌کنند.

ژاپن نیز به امنیت غذایی توجه ویژه‌ای معمول دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان به حساسیت نخبگان سیاسی ژاپن نسبت به وضعیت کالاها و محصولات کشاورزی خود همچون برنج اشاره داشت. قیمت برنج صادراتی امریکا تقریباً برابر با قیمت برنج ژاپنی می‌باشد، ولی دولت ژاپن هیچگاه اجازه نداده است که توزیع برنج امریکایی با قیمت ارزان، زمینه‌های تخریب ظرفیت‌های تولید

کشاورزی، همواره نگران امنیت غذایی خود بوده و سعی می‌کند ظرفیت‌های داخلی برای تولیدات کشاورزی را ارتقا بخشد. در زمان جنگ تحمیلی، عربستان دست به یک تجربه بزرگ زد و با استفاده از شیرین‌سازی آب دریا و استخراج چاه‌های عمیق آب، توانست تولید گندم در این کشور را با موفقیت پشت سر بگذارد. اگرچه تولید گندم در عربستان حدود ۳ برابر قیمت جهانی برای این کشور هزینه در برداشت و انتقادات داخلی و خارجی زیادی را به همراه آورد، ولی نخبگان سیاسی عربستان این اقدام را از منظر اقتصاد سیاسی قابل توجیه دانسته و آن را در راستای حفظ امنیت غذایی لازم و ضروری می‌خواندند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تأمین امنیت غذایی را نمی‌توان صرفاً بر اساس اهداف و دلایل اقتصادی و یا مزیت‌های نسبی توجیه نمود، بلکه باید به عناصر مهم دیگری همچون عوامل سیاسی - استراتژیک، اجتماعی نیز توجه نمود (Freebaim, 1999). با توجه به مراتب فوق، خودکفایی و خوداتکایی در تولید محصولات کشاورزی، اگرچه ممکن است در بعضی شرایط، غیر اقتصادی تشخیص داده شود، اما از جنبه سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. هر کشور، به اقتضای

شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و الگوی مصرف آن نسبت به مصرف بعضی از اقلام کشاورزی حساسیت ویژه‌ای دارد که امنیت غذایی آن کشور در آنها تبلور پیدا می‌کند. به‌عنوان نمونه باید گفت که امنیت غذایی در ج.ا.ایران به وضعیت اقلام مهمی همچون گوشت، لبنیات، گندم، برنج، روغن حساسیت ویژه‌ای دارد که باید همواره مد نظر نخبگان سیاسی قرار گیرد.

#### ۴. امنیت غذایی در جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از انقلاب همواره به مقوله خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی و همچنین بالابردن ضریب امنیت غذایی تأکید کرده است. این موضوع همواره دارای جایگاه ثابتی در طی برنامه‌های ۵ ساله اول، دوم، سوم و چهارم توسعه بوده است (قوانین اول، دوم، سوم و چهارم توسعه ج.ا.ایران).

به‌رغم این تأکیدات، ارزیابی‌های به‌عمل‌آمده در خصوص وضعیت امنیت غذایی ج.ا.ایران در طی چهار برنامه توسعه پیشین، گویای این است که ضریب امنیت غذایی در طی برنامه‌ها دارای فراز و نشیب مختلفی بوده است که نمونه‌ای از آن را می‌توان در برنامه سوم و چهارم توسعه

مشاهده نمود. برای بررسی دقیق تر وضعیت امنیت غذایی و فراز و فرود آن، می توان مباحث مربوطه را در سه قلمرو «ضریب خودکفایی کالاهای اساسی»، «تراز تجاری کل محصولات کشاورزی» و «میزان واردات» پیگیری کرد.

#### ۴-۱. ضریب خودکفایی کالاهای

اساسی در ج.ا.ایران: با توجه به سرمایه گذاری هایی که در طی برنامه های اول و دوم توسعه در بخش کشاورزی صورت گرفته بود، در طی برنامه سوم با اجرای طرح های افزایش تولید و ساماندهی های مورد نیاز و اعمال حمایت های فنی و اعتباری و به رغم وجود دو سال خشکسالی، ضرایب خودکفایی در اغلب محصولات ارتقاء چشمگیری یافت و ضریب خودکفایی سال آخر برنامه برای گندم به ۹۸/۹ درصد، شکر ۸۶/۳ درصد، حبوبات ۱۱۴/۵ درصد، گوشت قرمز ۹۳ درصد، گوشت مرغ حدود ۱۰۰ درصد، شیر ۹۸/۴ درصد بالغ گردید و میزان خودکفایی برنج نیز در حد ۶۰ درصد تثبیت گردید. کارکردها و نتایج مذکور، از جمله دستاوردهای مناسب برنامه های توسعه در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می شود. اما در طی برنامه چهارم توسعه، به عللی همچون عدم استمرار اجرای برنامه های

فنی و اعتباری و طرح های افزایش تولید، صدور اجازه واردات بیش از نیاز برای بعضی از اقلام، ضریب خودکفایی کاهش چشمگیری یافت. این امر در حالی اتفاق افتاد که در طی دوران برنامه چهارم، تنها در یک سال، کشور دارای خشکسالی بوده است. در طی برنامه چهارم، میزان ضریب خودکفایی گندم از ۹۸/۹ درصد به ۷۲/۷ درصد کاهش یافت، ضریب خودکفایی برنج که طی سه برنامه حدود ۶۰ درصد بود، به ۵۳ درصد تنزل یافت و ضریب خودکفایی شکر از ۸۶/۳ درصد برنامه سوم به ۶۱/۱ درصد رسید. ضریب خودکفایی حبوبات که در طی کلیه برنامه ها صد درصد و یا بیش از آن بود به ۸۲/۷ درصد نزول پیدا کرد و ضریب خودکفایی روغن نباتی که در برنامه سوم رشد ملموسی پیدا کرده بود (از ۵ درصد به ۱۱/۵ درصد افزایش یافته بود) طی این برنامه کاهش یافت و به ۹/۵ درصد رسید (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۳۶). کاهش ضریب امنیت غذایی و خودکفایی در طی برنامه چهارم، جای تأمل داشته و محتاج چاره اندیشی است؛ چرا که از یکسو موجب تنزل شاخص های کارکردی برنامه سوم در خصوص ضرایب مناسب خودکفایی و امنیت غذایی گردیده و از سوی

دیگر نیز به سبب همزمانی برنامه چهارم با اجرای دوره سند چشم‌انداز (۱۴۰۴-۱۳۸۴)، موجب ایجاد ابهام‌های اساسی در تحقق اهداف مورد انتظار گردیده است (ضریب خودکفایی در مورد برخی محصولات اساسی در طی سال‌های ۸۸-۱۳۶۸ در نگاره (۱) ملخصاً ارائه گردیده است).

### نگاره شماره (۱). ضریب خودکفایی در مورد برخی محصولات کشاورزی طی سال‌های ۸۸-۱۳۶۸

مغذ گرایش ازبانی خودکفایی	برنامه اول		برنامه دوم		برنامه سوم		برنامه چهارم	
	۶۸	۷۲	۷۴	۷۸	۷۹	۸۳	۸۴	۸۸
مغذ	۵۲/۴	۸۲/۱	۷۵/۷	۵۸/۵	۵۹	۹۸/۹	۹۹/۴	۷۲/۷
برنج	۶۰/۳	۵۷/۶	۵۸/۸	۵۹/۹	۵۲/۳	۵۹/۱	۶۳	۵۲
سیب‌زمینی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰/۲	۱۰۰/۹	۱۰۴/۹	۱۰۸/۳
قند و شکر	۵۴/۶	۶۵/۳	۵۲	۴۳	۵۱/۳	۸۶/۳	۶۴/۷	۶۱/۱
حبوبات	۹۸/۹	۱۰۰	۱۰۰	۹۸/۹	۱۰۲	۱۱۴/۵	۱۰۸/۲	۸۲/۷
روغن نباتی	۸/۸	۱۰/۶	۸/۳	۵/۶	۴/۹	۱۱/۵	۱۱/۸	۹/۵
گوشت قرمز	۸۲/۳	۸۶/۲	۸۶/۹	۹۹/۹	۹۷/۸	۹۳	۹۷/۳	۸۹/۳
گوشت مرغ	۱۰۰	۹۲	۹۹/۹	۹۸/۱	۹۸/۳	۱۰۰	۱۰۱/۳	۹۸
شیر	۸۴/۸	۹۰/۵	۹۶/۴	۹۹/۸	۹۹/۱	۹۸/۴	۹۹/۳	۹۱/۸
انواع ماهی	۱۰۰	۱۰۰	۹۸/۷	۹۹/۵	۱۰۱	۱۰۱/۳	۹۹/۹	۹۸

منبع: گزارش ارزیابی خودکفایی کشاورزی و غذایی - کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، ۱۳۹۰

نمی‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

### نگاره شماره (۲) - ارزش‌گذاری مؤثریت اجرای راهبرد تأمین و ارتقای امنیت غذایی در ایران در طی ۴ برنامه توسعه

شرح محورهای اثربخشی اجرای استراتژی	اثربخشی خیلی کم	اثربخشی کم	نسبتاً اثربخش	اثربخشی زیاد	اثربخشی خیلی زیاد
۱- روند تولید و عرضه سرانه	۲۰-۰	۴۰-۲۱	۶۰-۴۱	۸۰-۶۱	۱۰۰-۸۱
۲- روند عرضه پروتئین حیوانی			*		
۳- روند عرضه پروتئین گیاهی			*		
۴- روند عرضه انرژی و کالری			*		
۵- مبارزه بیولوژیکی		*			
۶- مصرف سم و ترکیب کود		*			
۷- استانداردسازی محصولات		*			
۸- توسعه قرنطینه‌های دامی و گیاهی		*			
۹- توسعه کشت ارگانیک		*			
متوسط اثربخشی اجرای راهبرد بر مبنای اعتبار محورها	۴۵				

(منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۳۶)

معنی و مفهوم ارزش‌گذاری مزبور گویای ناتمام ماندن تلاش‌های مربوط به افزایش ضریب خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی در کشور بوده که کمبود آنها با افزایش واردات مرتفع گردیده است.

ضمناً ارزیابی شاخص‌های امنیت غذایی در ج.ا.ایران در طی چهار برنامه توسعه، نشان‌دهنده آن است که مجموع ارزش‌گذاری اثربخشی (مؤثریت) در اجرای راهبردهای تأمین و ارتقای امنیت غذایی، در حد «متوسط» بوده که عملکرد مناسبی دانسته



#### ۴-۳. آمار و ارقام واردات محصولات

**کشاورزی کشور:** همسو با ارزیابی تراز تجاری کل، تبیین وضعیت روند واردات نیز از دیگر مؤلفه‌های امنیت غذایی محسوب می‌گردد. واردات برنامه‌ریزی شده که برای کنترل بازار و تأمین ذخایر راهبردی باشد، دارای توجیه عقلانی خواهد بود، اما واردات بی‌رویه و بدون برنامه موجب ضربات جبران‌ناپذیر به بنیان‌های تولید داخلی و اشتغال باشد، دارای آثار منفی به ضریب امنیت غذایی است. آمار ضریب خودکفایی و امنیت غذایی در کالاهای حساس در طی برنامه چهارم، نسبت به برنامه سوم تنزل داشته است و همین امر زمینه افزایش واردات را در طی برنامه چهارم قطعی نمود. از این‌رو میزان واردات طی سال‌های برنامه چهارم در مقایسه با برنامه سوم افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. میزان کل واردات (اعم از نهاده‌های کشاورزی و محصولات و کالاهای نهایی و آماده مصرف) طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۹ (برنامه سوم) به ترتیب بالغ بر ۱۳/۸، ۱۴/۵، ۱۰/۴، ۸/۹، ۹/۸ میلیون تن بوده است (گمرک ایران، ۱۳۹۰). اما واردات در طی سال‌های برنامه چهارم (۸۸-۱۳۸۴) به ترتیب به ۸/۶، ۱۲/۸، ۱۰، ۱۷/۹ و ۱۸/۴ میلیون تن رسید که

#### ۴-۲. تراز تجاری کل محصولات

**کشاورزی کشور:** از دیگر مؤلفه‌های امنیت غذایی، وضعیت تراز تجاری کل محصولات کشاورزی می‌باشد. با توجه به روند نزولی ضریب خودکفایی در محصولات اساسی که در طی برنامه چهارم توسعه به وقوع پیوسته است، متأسفانه این وضعیت در تراز تجاری کل نیز انعکاس داشته است؛ بدین معنی که به سبب افزایش بیشتر واردات نسبت به صادرات، تراز تجاری کل منفی گردیده که نوعی تهدید برای امنیت غذایی محسوب می‌شود. نگاره (۳)، وضعیت تولید، واردات، صادرات و تراز تجاری کل محصولات کشاورزی را در طی سال‌های برنامه چهارم توسعه نشان می‌دهد:

نگاره شماره (۳)

سال‌های برنامه چهارم	تولید		واردات		صادرات		تراز تجاری	
	وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)
۱۳۸۴	۹۵۳۱۶	۳۲۰۱	۸۶۲۴	۳۲۰۱	۲۲۲۱	۲۲۷۷	-۶۴۵۷	-۹۱۳
۱۳۸۵	۹۸۰۳۹	۴۸۶۹	۱۲۸۲۵	۴۸۶۹	۲۷۷۷	۲۸۴۵	-۱۰۰۴۸	-۲۰۲۴
۱۳۸۶	۱۰۲۰۵۳	۵۳۵۸	۱۰۸۱۹	۵۳۵۸	۲۸۲۴	۲۵۱۸	-۶۹۴۶	-۱۸۴۰
۱۳۸۷	۸۰۲۸۱	۸۹۸۰	۱۷۹۹۲	۸۹۸۰	۳۳۳۲	۳۳۴۷	-۱۴۶۵۰	-۵۶۳۳
۱۳۸۸	۹۳۳۲۵	۸۵۱۸	۱۸۴۰۴	۸۵۱۸	۳۰۴۷	۴۱۸۰	-۱۵۳۵۷	-۴۳۲۸

مآخذ: گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹

تولید، واردات، صادرات و تراز تجاری کل محصولات کشاورزی طی سال‌های برنامه چهارم توسعه

نشان از رشد قابل توجه واردات بوده است که متضمن کاهش ضریب امنیت غذایی می‌باشد. یکی از نکات مهم که در مقایسه روند واردات در سال‌های برنامه سوم و چهارم به دست می‌آید، این است که در سال‌های پایانی برنامه سوم روند واردات کاهش یافته، ولی در سال‌های پایانی برنامه چهارم، روند واردات افزایش داشته است. آمار واردات ده ساله ۸۸-۱۳۷۹ (سال‌های برنامه سوم و چهارم) و همچنین واردات در سال ۱۳۸۹ در نگاره (۴) آمده است.

#### نگاره شماره (۴) - واردات ده‌ساله

۱۳۷۹-۱۳۸۸

سال	وزن و ارزش	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)
۱۳۷۹	۱۳۸۷۱/۹	۲۹۳۷/۸	
۱۳۸۰	۱۴۵۸۹/۹	۲۹۳۰/۴	
۱۳۸۱	۱۰۴۱۴/۴	۲۶۱۲/۵	
۱۳۸۲	۸۹۱۷/۲	۲۹۱۷/۳	
۱۳۸۳	۹۸۲۹/۵	۳۷۳۷/۱	
۱۳۸۴	۸۶۷۴	۳۷۹۷/۶	
۱۳۸۵	۱۲۸۲۵	۵۷۵۴/۹	
۱۳۸۶	۱۰۸۱۹	۶۰۹۵/۱	
۱۳۸۷	۱۷۹۹۲	۱۱۵۵۰/۸	
۱۳۸۸	۱۸۴۰۴	۹۸۷۵/۳	
۱۳۸۹	۱۴۹۱۲	۹۹۲۲	

مأخذ: روابط عمومی گمرک ایران، ۱۳۹۰.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آمار واردات در بین سال‌های پایانی برنامه چهارم افزایش قابل توجهی داشته است که ارزش دلاری آنها بالغ بر ۱۱/۵ و ۹/۸ میلیارد دلار

می‌شود. واردات در سال ۱۳۸۹ از لحاظ وزنی کاهش ولی از لحاظ ارزش دلاری افزایش داشته و به میزان ۹/۹ میلیارد دلار رسیده است.

از شاخص‌های اصلی امنیت غذایی، ترکیب بهینه تولید داخلی با میزان واردات (اعم از نهاده‌ها و محصولات و کالاهای نهایی) می‌باشد. ترکیب مناسب شاخص‌های مزبور، وضعیت مناسبی از امنیت غذایی را به دست می‌دهد. متأسفانه با تجزیه و تحلیل این ارقام، این نکته روشن می‌گردد که بخش کشاورزی دارای ترکیب بهینه تولید داخلی با میزان واردات نمی‌باشد و همین امر وضعیت امنیت غذایی ج.ا.ایران را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد.

در تداوم ارائه تصویر کلان از وضعیت واردات بخش کشاورزی به وضعیت واردات کالاهای و محصولات نهایی بعضی از اقلام حساس (همچون محصولات پروتئینی) که دارای آثار مهم نسبت به ضریب امنیت غذایی می‌باشند، در طی سال‌های ۸۹-۱۳۸۳ اشاره می‌کنیم (نگاره شماره ۵).

نگاره شماره (۵) - آمار واردات برخی کالاهای حساس  
کشاورزی در سنوات ۸۹-۱۳۸۳

سال	نام کالا		گوشت گوساله منجمد	گوشت گوسفند	گوشت مرغ منجمد	تخم مرغ
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				
۱۳۸۰	۶۴.۴۲۰	۳۰.۱۷۶	۰	۰	۰	۶۲۹
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۳۵
۱۳۸۱	۲۵.۷۵۳	۱۵.۷۸۶	۰	۰	۶.۶۵۵	۳.۶۶۷
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۵۴۵
۱۳۸۲	۵۸.۴۷۵	۳۴.۳۴۰	۰	۰	۱۸۵	۴.۷۸۱
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۸۹۵
۱۳۸۳	۹۶.۶۵۷	۵۲.۱۳۱	۰	۰	۱۳.۵۵۰	۱.۲۳۲
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۵۱
۱۳۸۴	۳۲.۹۲۲	۱۷.۲۳۳	۰	۰	۰	۴.۲۰۰
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۲۶۲
۱۳۸۵	۱۳۳.۸۵۸	۵۲.۵۰۶	۰	۰	۸۷۱	۱.۷۲۴
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۸۲
۱۳۸۶	۱۷۴.۷۳۱	۶۲.۱۳۶	۲۷۰	۶۳	۵۴.۹۴۵	۸۷۷
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۴۵
۱۳۸۷	۲۸۳.۵۱۶	۷۳.۳۶۴	۰	۰	۳۸.۷۷۰	۸۵۵
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۳۶
۱۳۸۸	۴۲۱.۹۲۱	۱۰۵.۰۸۷	۱.۱۷۴	۲۲۰	۱۹.۰۷۸	۱.۱۴۲
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۹۷
۱۳۸۹	۸۰۸.۶۰۳	۱۸۷.۷۳۴	۷۹.۲۹۸	۱۲.۱۰۶	۸۶.۸۰۲	۱۱.۳۳۶
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۹۸۹
۴ ماهه ۱۳۹۰	۲۷۵.۰۱۰	۵۰.۰۸۸	۳.۴۱۵	۲۵.۰۵۹	۴۰.۴۶۴	۳۶.۳۹۴
	ارزش (هزار دلار)	وزن (تن)				۱۲.۷۲۱

مأخذ: دفتر آمار سازمان توسعه تجارت، سال ۱۳۹۰.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۸۳، مجموع واردات اقلام پروتئینی (گوشت سفید و قرمز) به میزان ۶۵ هزار تن و بالغ بر ۱۱۰ میلیون دلار می‌گردید، اما این رقم در سال ۱۳۸۹ به میزان ۲۰۰ هزار تن و بالغ بر ۹۷۵ میلیون دلار (حدود ۱۰ درصد کل ارزش واردات در سال ۱۳۸۹) گردیده است و چشم‌انداز سال‌های آتی نیز نگران‌کننده‌تر می‌باشد.

لازم به ذکر است در سال ۱۳۹۰ و به منظور حمایت از تولیدکنندگان داخلی، مقدار واردات گوشت قرمز به میزان یکصد هزار تن پیش‌بینی گردیده بود که متأسفانه تمامی آن در ۵ ماهه اول سال وارد

کشور گردیده است. از آنجایی که در فصول سرما میزان مصرف گوشت افزایش می‌یابد، لذا دولت ناگزیر است در نیمه دوم سال و به منظور جبران کمبود گوشت، میزان واردات را افزایش دهد. این قبیل ناهماهنگی‌ها و بی‌برنامگی‌ها در امر واردات، یکی از مهم‌ترین موانع و مشکلات برای دامداران و تولیدکنندگان داخلی می‌باشد که در نهایت موجب ضرر و زیان به آنها می‌شود و ضریب امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین باید افزود گوشت گوسفند وارداتی در سال ۱۳۸۹ و ۵ ماهه اول سال ۱۳۹۰، از

کشورهای پاکستان، قرقیزستان، مغولستان، گرجستان، ارمنستان و استرالیا وارد گردیده است. گوشت گوساله وارداتی در سال ۱۳۸۹ و ۵ ماهه اول سال ۱۳۹۰ نیز فقط از کشور برزیل وارد شده است.

سیاست‌های نادرست وارداتی در زیر بخش دام، موجب افزایش چشمگیر آمار واردات گوشت (قرمز و سفید) طی سال‌های اخیر شده است. رشد واردات و عدم حل مشکلات تولیدکنندگان صنعتی و سنتی به تعطیلی تدریجی دامپروری‌های بزرگ و کوچک (روستایی) و همچنین کاهش ذخایر ژنتیکی کشور منجر می‌گردد. عدم حمایت از تولیدات دامی (با توجه به شرایط حاکم بر وضعیت آب و هوایی کشور همچون خشکسالی‌ها و...) و حمایت از امور وارداتی، هیچ‌گونه امکان رقابت را برای دامداران داخلی فراهم نمی‌نماید و ادامه این روند موجب می‌گردد تمامی سیاست‌های توسعه‌ای دام دچار آسیب‌پذیری جدی شود. ضربه به بنیان‌های تولیدی زمینه افزایش بیکاری را با ضریب فزاینده در سطح کشور فراهم می‌سازد که از جمله آثار کاهش ضریب امنیت غذایی محسوب می‌شود.

در اینجا و در راستای تکمیل تصویر مورد اشاره، به واردات میوه که در طی

سال‌های ۸۹-۱۳۸۴ نیز دارای سیر و روند افزایشی بوده است، اشاره می‌شود. سیر افزایشی واردات میوه را با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های تولید میوه‌جات در سرزمین پهناور ج.ا.ایران که برخوردار از تنوع آب و هوایی می‌باشد و این امر همواره به‌عنوان یکی از مزیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود، نمی‌توان توجیه نمود.

نگاره شماره (۶) - آمار واردات میوه به

#### کشور در دهه ۱۳۹۰

سال	واردات میوه	
	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)
۱۳۸۰	۴۰	۱۱۰
۱۳۸۱	۵۸	۱۸۰
۱۳۸۲	۸۶	۲۷۱
۱۳۸۳	۸۸	۲۸۸
۱۳۸۴	۱۷۷	۵۷۰
۱۳۸۵	۲۱۷	۶۷۹
۱۳۸۶	۲۸۰	۸۶۱
۱۳۸۷	۲۹۰	۸۲۵
۱۳۸۸	۵۳۰	۱۰۴۳
۱۳۸۹	۶۱۱	۹۷۷
۴ ماهه ۱۳۹۰	۲۲۶	۳۱۰

مأخذ: دفتر آمار سازمان توسعه تجارت، سال ۱۳۹۰.

واردات میوه که در سال‌های برنامه سوم به ۱۱۰، ۱۸۰، ۲۷۱ و ۲۸۸ هزار تن رسیده بود و عموماً شامل محصولات گرمسیری می‌گردید، به حدود یک میلیون تن در سال ۱۳۸۹ رسیده است. واردات میوه در سال‌های اخیر شامل میوه‌های گرمسیری و سردسیری می‌شود که آثار هر یک از آنها متفاوت است.

نگاره شماره (۷) - مقادیر واردات محصولات  
اساسی کشاورزی طی برنامه‌های سوم و  
چهارم «هزار تن»

محصولات	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸
گندم	۵۱۶۳	۶۷۷۱	۳۸۳۹	۷۳۳	۱۷۰	۱۰۵	۱۱۵۲	۱۸۹	۵۹۱۹	۵۰۶۰
ذرت	۱۲۲۸	۱۷۱۱	۱۷۰۵	۲۶۳۰	۳۰۰۰	۲۱۱۴	۲۹۰۸	۲۶۸۳	۳۳۹۷	۳۸۵۴
برنج	۱۱۶۷	۶۹۹	۱۰۴۷	۸۷۵	۱۱۴۲	۱۰۴۵	۱۲۲۰	۱۰۶۷	۱۳۸۹	۱۲۹۰
شکر	۹۲۴	۹۳۹	۸۲۵	۲۸۸	۱۸۹	۷۰۷	۲۵۲۶	۱۲۳۶	۱۱۰۲	۸۸۱
روغن	۱۰۴۵	۹۷۹	۱۰۹۶	۱۲۸۶	۱۱۶۲	۱۳۸۴	۱۳۸۰	۱۴۱۱	۱۱۳۳	۱۳۷۰

مأخذ: دفتر آمار سازمان توسعه تجارت، سال ۱۳۹۰.

در یک ارزیابی کلی دلایل زیر را می‌توان به‌عنوان چالش‌های اصلی افزایش واردات در طی سال‌های مختلف برنامه‌های توسعه که منعکس‌کننده کاهش ضریب امنیت غذایی و خودکفایی کشاورزی محسوب می‌شود، برشمرد:

الف) درآمدهای هنگفت ارزی (به سبب افزایش قابل توجه قیمت نفت) در طی سال‌های ۸۹-۱۳۸۳، زمینه‌های حمایت از تولیدات داخلی را کاهش و واردات محصولات کشاورزی را افزایش داده که بسته‌های آسیب‌پذیری ملی در خصوص امنیت غذایی را افزایش بخشیده است. این امر دارای آثار خسارت‌بار گسترده در عرصه اقتصادی، اجتماعی و همچنین افزایش بیکاری (دائمی و فصلی) و کاهش درآمد تولیدکنندگان و روستاییان می‌باشد.

از آنجا که میوه‌های گرمسیری در ایران تولید نمی‌شوند، ولی واردات میوه‌های سردسیری دارای قابلیت‌های فراوان تولیدی در داخل

کشور هستند، لذا واردات میوه‌های سردسیری به‌عنوان «رقیب» محصولات داخلی تلقی می‌گردند. افزایش میزان عرضه

میوه‌های وارداتی سردسیری (به‌خصوص در فصل تداخل با میوه‌های داخلی) باعث کاهش تقاضای آنها و موجب زیان اقتصادی به تولیدکنندگان میوه‌های داخلی می‌گردد.

به‌عنوان نمونه باید گفت که در ۴ ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۰ که با ماه‌های برداشت میوه‌های تابستانی توأم بود، میزان واردات میوه بالغ بر ۲۲۶ میلیون دلار گردیده است (سازمان توسعه تجارت، ۱۳۹۰). همزمانی واردات با ایام برداشت محصول موجب ایجاد ضرر و زیان و سایر مشکلات دیگر برای باغداران و تولیدکنندگان داخلی می‌شود.

واردات بعضی دیگر از محصولات اساسی کشاورزی در طی سال‌های برنامه سوم و چهارم نیز نشان‌دهنده روند افزایشی است که نمایانگر عدم رشد تولیدات داخلی و کاهش ضریب امنیت غذایی می‌باشد.

ب) به عوامل تسهیل‌کننده در طراحی استراتژی‌های توسعه بخش کشاورزی دقت کافی معمول نشده است.

ج) به الزامات تأمین مقدمات فنی - اقتصادی - اجتماعی، برای اجرای اهداف کلان بخش کشاورزی توجه کافی نشده است.

با توجه به اینکه در پی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، به تولیدکنندگان و خصوصاً در بخش کشاورزی توجهی نشده است و از سوی دیگر درآمدهای ارزی دولت دارای شرایط مناسبی می‌باشد، اگر روند موجود تداوم یابد، پیش‌بینی می‌شود که تولید به سبب اعمال قانون یارانه‌ها کاهش و روند واردات کشاورزی (خصوصاً محصولات کالاهای افزایش یابد که برآیند این وضعیت را می‌توان در کاهش هر چه بیشتر ضریب امنیت غذایی خلاصه نمود. نظر به اینکه تحریم‌های بین‌المللی نیز رو به تشدید است، کاهش ضریب امنیت غذایی کشور نگران‌کننده خواهد بود.

## ۵. راهکارهای افزایش ضریب امنیت غذایی در دهه ۱۳۹۰ و دوران اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها

قانون هدفمندکردن یارانه‌ها یکی از ابزارهایی است که حسن اجرای آن می‌تواند منشاء تحولات بنیانی در اقتصاد ملی و اقتصاد بخش کشاورزی گردد و بالتبع ضریب امنیت غذایی را نیز افزایش بخشد. حسن اجرای قانون مزبور، منوط به رعایت اصول، سیاست‌ها و استراتژی‌های همه‌جانبه در ابعاد مختلف و همچنین «هماهنگی» آنها با یکدیگر می‌باشد که به رئوس بعضی از آنها اشاره می‌شود. بدیهی است با عدم رعایت سیاست‌ها و استراتژی‌های جدید و یا با ادامه وضعیت موجود، چشم‌انداز نگران‌کننده برای امنیت غذایی را می‌توان ترسیم کرد که دارای هزینه‌ها و خسارات گسترده مالی، اجتماعی، بهداشتی، اقتصادی و امنیتی برای کشور خواهد بود. از جمله سیاست‌ها و استراتژی‌هایی که باید به صورت هماهنگ و مکمل همدیگر مد نظر نخبگان سیاسی قرار گیرد، عبارت است از:

- تجدید نظر در وضعیت سیاست‌های

قیمت‌گذاری

- تجدید نظر در وضعیت سیاست‌های وارداتی

## ۵-۱. سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی

هرگاه سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی به درستی انتخاب و به اجرا گذاشته شود، قطعاً می‌تواند توانایی‌های کشاورزی ایران و همچنین امنیت غذایی کشور را ارتقاء بخشد و نگرانی برای روزهای سخت در آینده را کاهش دهد.

دولت برای جلوگیری از افزایش تورم، همواره به کنترل قیمت محصولات کشاورزی دست زده است. این سیاست باعث شده که میزان درآمد کشاورزان محدود شود و انگیزه‌ای برای افزایش تولید وجود نداشته باشد که در نهایت کشور را دچار چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نموده است. بدیهی است که با تداوم وضعیت موجود و با این نوع سیاست‌های قیمت‌گذاری، بنیان‌های تولیدات کشاورزی در بلندمدت تضعیف و یا حتی تخریب می‌گردد. نمونه تأییدی این نکات را می‌توان در میزان افزایش واردات محصولات و کالاهای کشاورزی به ایران مشاهده نمود. در سال ۱۳۷۹ به میزان ۱/۳ میلیون تن کالا و محصولات کشاورزی به کشور وارد شد که این رقم در سال ۱۳۸۸، به حدود ۲۰ میلیون

تن رسید. این امر گویای ناصحیح بودن و غیر کارآمد بودن سیاست‌های قیمت‌گذاری در بخش کشاورزی است که منجر به کاهش تولید، کاهش درآمد تولیدکنندگان، افزایش واردات محصولات کشاورزی و در نهایت کاهش ضریب امنیت غذایی در طی ۱۰ سال گذشته شده است. با چالش‌هایی که در نحوه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها وجود دارد و تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنایع غذایی به‌نحو بایسته مورد حمایت قرار نمی‌گیرند، پیش‌بینی چشم‌انداز نگران‌کننده‌تری نسبت به وضعیت امنیت غذایی در طی سال‌های آینده وجود دارد که لزوم بازنگری و تجدید نظر نسبت به سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی و همچنین حمایت‌های همه‌جانبه و گسترده از تولیدکنندگان بخش را پیش از پیش ضروری می‌سازد.

## ۵-۲. سیاست واردات محصولات کشاورزی

سیاست‌های وارداتی محصولات کشاورزی، در تمامی کشورها تحت‌الشعاع متغیرهای مختلف می‌باشد که از آن جمله باید به «سیاست‌های تعرفه‌ای» اشاره داشت. عدم انتخاب سیاست‌های تعرفه‌ای مناسب موجب افزایش واردات و چالش در وضعیت

تولید داخلی می‌شود (قریب، ۱۳۸۵). متأسفانه مشاهده می‌شود که هم‌اکنون این وضعیت در ج.ا.ایران حاکم شده است. بدین معنی که با افزایش قیمت محصولات داخلی (گوشت قرمز، گوشت سفید، برنج، شکر و...) دولت بلافاصله در سیاست‌های تعرفه‌ای تجدید نظر کرده و با کاهش تعرفه‌های گمرکی که حتی در طی سال چند بار نیز تکرار می‌شود، ضربات جبران‌ناپذیری به تولید داخلی و تولیدکنندگان وارد می‌سازد.

بدیهی است که در این وضعیت، تولیدکننده ایرانی همواره نگران اثرات تخریبی سیاست‌های دولت باشد و نتواند برای افزایش تولید چاره‌اندیشی نماید. دولت می‌تواند برای کنترل قیمت محصولات کشاورزی، با انعقاد قراردادهای بلندمدت با تولیدکنندگان داخلی، نگرانی خود را از نوسانات مقطعی کاهش دهد، ولی نباید برای کنترل قیمت‌ها با سلاح واردات و با کاهش نرخ‌های تعرفه‌ای، به جنگ تولید داخلی برود.

سیاست‌گذاری‌های نادرست تعرفه‌ای، موجب می‌شود که از سرمایه‌گذاری‌های موجود استفاده مناسب به‌عمل نیاید، سرمایه‌گذاری‌های جدید صورت نپذیرد و در

نهایت به اتلاف گسترده منابع منجر گردد (گیلانپور، ۱۳۸۳، صص ۱۹-۱۶). به‌عنوان نمونه می‌توان به وضعیت واردات شکر در طی سال‌های گذشته و نقش سیاست‌های تعرفه‌ای نادرست که موجب بروز خسارات سنگین اقتصادی و اجتماعی بر بخش کشاورزی و تولیدکنندگان و کارخانجات تولیدی شد، اشاره کرد.

با کاهش حدود ۱۰۰ درصدی تعرفه واردات شکر در سال ۱۳۸۵، واردات شکر به میزان ۳/۵ میلیون تن افزایش یافت. تصمیم کاهش تعرفه واردات شکر منجر به انبوه واردات شکر به میزان حدود سه برابر تولید داخلی کشور گردید که ضربات سنگینی را به زنجیره تولید شکر در کشور وارد ساخت (حقوقی، ۱۳۸۸، ص ۹). بخشی از آثار سیاست‌گذاری‌های ناصحیح چنین است:

الف) سطح زیر کشت چغندر قند به ۱/۴ کاهش یافت.

ب) کارخانجات قند کاهش ظرفیت داده و تعدادی از نیروها بیکار شدند.

ج) میزان تولید تفاله خشک و تروملاس نیز کاهش یافت و در نتیجه کارخانجات الکل و... با کاهش تولید مواجه شدند.

د) نیروهای کارگری روزمزد، فصلی و دائمی مزارع بیکار گردیدند.



ذکر شد، به‌غیر از میوه‌جات مناطق گرمسیری و حاره، سایر محصولات در ایران تولید می‌شود که با عدم حمایت از تولیدکنندگان، زمینه برای کاهش تولید و افزایش واردات فراهم شده است.

با توجه به این نکات، برای افزایش ضریب امنیت غذایی باید دو اقدام کلان را صورت داد:

تجدید نظر در سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی که انگیزه کشاورزان و تولیدکنندگان را برای افزایش تولید مهیا خواهد ساخت. همچنین این اقدام همراه با رعایت منافع تولیدکنندگان و کشاورزان خواهد بود که موجب تغییر چهره مناطق روستایی گردیده و زمینه‌های ریشه‌کن شدن فقر در مناطق روستایی را فراهم می‌سازد. با افزایش درآمد تولیدکنندگان و روستائیان و همچنین با پوشش گسترده سیاست‌های بیمه محصولات، بیمه درمانی و... می‌توان چهره توسعه‌یافتگی را برای روستاهای کشور به ارمغان آورد.

تجدید نظر در سیاست‌های وارداتی و تعرفه‌ای به نحوی که محدودیت‌های صحیح و معقولی را برای واردات اعمال نماید تا بستر و زمینه برای افزایش تولیدات داخلی فراهم گردد. متأسفانه با عدم اجرای صحیح قانون

شرکت‌های بزرگ دولتی نیز دچار بحران نقدینگی و... گردیدند که برای رفع نسبی مشکلات آنها از سایر منابع دولت هزینه شد.

(و) دلال‌های حرفه‌ای نیز دارای ثروت‌های بادآورده به ازای نابودی تولیدات داخلی و بیکاری اقشار مستضعف گردیدند.

این وضعیت برای تعرفه‌های پنبه و حبوبات نیز وجود داشته است. این امر موجب افزایش قابل توجه واردات پنبه و حبوبات در طی برنامه چهارم شده و کاهش سطح زیر کشت آنها و همچنین برهم خوردن برنامه تناوب محصولات زراعی دیم و آبی کشور را به‌وجود آورده است.

سیاست‌های نادرست تعرفه‌ای منجر به افزایش واردات گردیده، به نحوی که متأسفانه هم‌اکنون مافیای شبکه واردکنندگان با بهره‌گیری از سیاست‌گذاری‌های نادرست، بازارهای کشور را از محصولات کشاورزی همچون سیب زمینی، برنج و مرکبات (پاکستان)، انگور (شیلی)، مرکبات (مصر)، میوه‌جات (چین)، موز، نارگیل و انبه (سريلانکا، هند و اکوادور)، برنج (تایلند و اروگوئه)، مرغ (برزیل)، گوشت قرمز (پاکستان و قرقیزستان)، گردو (لبنان و سوریه) اشباع نموده‌اند. همان‌طور که قبلاً

هدفمندی یارانه‌ها از سوی دولت و سیاست‌های نادرست تعرفه‌ای و وارداتی، به تولیدکنندگان بخش کشاورزی (زراعت، دام، طیور) فشار فراوانی وارد شده است. از این‌رو پیش‌بینی می‌شود که تا مادامی که ارز حاصل از صادرات نفت همچنان روند مناسبی داشته باشد، مشکلات بخش کشاورزی با واردات حل می‌شود!! بدیهی است با ادامه این وضعیت، شبکه و زنجیره تولید ضربات سنگین‌تری را متحمل خواهد شد و سیاست تأمین «امنیت غذایی» کشور با تأکید بر تولید از منابع داخلی و خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی بر اساس رویکرد بلندمدت سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، در حاله‌ای از ابهام فرو خواهد رفت که این امر هزینه‌زایی‌های فراوانی را از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی برای کشور به همراه خواهد داشت.

## ۶. پیامدهای عدم اصلاح سیاست‌های قیمت واردات

تجربه نشان داده که بسته سیاسی قیمت واردات محصولات کشاورزی، اگر به‌نحو دقیق و هماهنگ تهیه نشود، منجر به دور باطل می‌گردد. عدم اصلاح سیاست‌گذاری‌های قیمتی، موجب کاهش انگیزه تولیدکنندگان و بالتبع موجب کاهش

تولیدات بخش کشاورزی می‌شود که برای رفع آن به‌ناچار تن به افزایش واردات داده خواهد شد. برای افزایش واردات باید در سیاست بازرگانی خارجی رو به‌سوی کاهش نرخ‌های تعرفه‌ای آورد که به معنی ایجاد دور باطل و ورود ضربه دیگر به تولیدکنندگان داخلی و مهیا کردن بازار برای تجار خارجی شده و در نهایت به کاهش ضریب امنیت غذایی می‌انجامد.

در شرایط تحریم‌های بین‌المللی و محدودسازی سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ...، افزایش واردات کالا متضمن این نکته است که رویکرد اصلی کشور در تعاملات بین‌المللی، عمدتاً به سطح واردات محصولات و کالاهای تقلیل یافته است. تعاملات بین‌المللی دارای دامنه وسیع و گسترده‌ای است که شامل انتقال فناوری‌های پیشرفته، افزایش بهره‌وری، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و ... نیز می‌شود. تقلیل بخش اعظم محورها و مؤلفه‌های مذکور به واردات کالا و محصول، زمینه‌ساز چالش در حوزه امنیت ملی و امنیت غذایی می‌گردد.

افزایش واردات هرگاه همراه با کاهش نرخ‌های تعرفه‌ای و همچنین سیاست‌های نامناسب قیمت‌گذاری داخلی باشد، موجب می‌شود که کشور به زشت‌ترین چهره جهانی

شدن که خود را در واردات بی‌رویه محصولات و کالاها نمایان می‌سازد، تن در دهد، بدون آنکه از «فرصت‌های» آن بهره‌مند گردد (قریب، ۱۳۸۵). واگذاری بازارهای داخلی به دلان حرفه‌ای و شبکه‌های بین‌المللی واردات کالا هرگاه بدون بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی‌شدن باشد، به‌عنوان بدترین نوع تهدید محسوب می‌گردد (خضری، ۱۳۸۳، ص ۲۱).

به موازات بررسی وضعیت آمارهای واردات در بخش کشاورزی، با مروری به آمارهای صادرات کل غیر نفتی و واردات کل کشور در طی سال‌های گذشته، مشاهده می‌شود «کسری» تراز تجاری در اقتصاد ملی نیز دارای شرایط نامناسبی است. کسری تراز تجاری در کشور، از ۲۸/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴، به ۳۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۹ رسیده است (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰). این امر در شرایطی اتفاق افتاده که حتی صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۳۸۹ به بالاترین رقم خود به میزان ۲۶/۳ میلیارد دلار رسیده بوده است. افزایش قابل توجه صادرات غیر نفتی هرگاه همراه با افزایش کسری تجاری باشد، گویای افزایش بیشتر واردات است. افزایش و روند رو به رشد واردات، موجب نگرانی افزایش زمینه‌های

تهدید جهانی‌شدن بدون بهره‌گیری از فرصت‌های آن می‌باشد.

می‌دانیم که هر یک از کشورهای جهان دارای نوعی سیاست «توازن بخشی» میان سیاست‌های حمایت داخلی (برای تولیدکنندگان و بازار داخلی) با تجارت خارجی (صادرات و واردات کالا) هستند، به نحوی که دامنه تهدیدات خود را کاهش و زمینه فرصت‌ها برای ظرفیت‌های داخلی را افزایش دهند (Nicita, 2001, pp. 141-148). هم‌اکنون نیز حتی بسیاری از کشورهای پیشرفته و عضو سازمان تجارت جهانی به‌رغم آنکه دارای اقتصادهای آزاد می‌باشند، برای حفاظت از ظرفیت‌های تولید داخلی اقلام استراتژیک و مؤثر در تأمین امنیت اقتصادی و همچنین امنیت غذایی، دارای سیاست‌های حمایتی هستند و بازار داخلی خود را به راحتی در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند (هیگات، ۱۳۸۴، صص ۲۳-۱۸). اهمیت رعایت سیاست توازن بخشی در نزد کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، موجب گردیده که حتی مدیرکل این سازمان از این امر ابراز نگرانی نماید و خواستار آن شود که کشورهای عضو سازمان، محدودیت بر واردات خود ایجاد نکنند. وی در نشست اخیر سازمان تحت عنوان «اهمیت بازننگری

رویه‌های تجاری پس از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۹» گفت:

«در سال گذشته ارزش تجارت جهانی ۱۴/۵ درصد رشد کرد و انتظار می‌رود که امسال رشد تجارت جهانی حداقل ۶/۵ درصد باشد. این ارقام نشان می‌دهد که تجارت چگونه به فرار و عبور از رکود اقتصادی دو سال پیش کمک کرده و نقش قابل توجهی در بهبود اقتصادی کشورها داشته است. البته این رشد مهم در تجارت جهانی پیامد گشایش بازارها به‌رغم بحران شدید اقتصاد جهانی بوده است و..... من در دسامبر سال گذشته هم گفتم که دولت‌ها در برابر انتقاد به حمایت داخلی از تولیدات، سرسختانه مقاومت کرده و محدودیت‌های جدید بر سر راه تجارت آزاد اعمال می‌کنند. الان اما خبرهای نه‌چندان خوبی داریم و آن اینکه نتایج نظارت بر مقررات تجاری حاکی است که محدودیت‌های بازرگانی طی شش ماه گذشته شدیدتر از دوره‌های قبل بوده است. تناقض اینجاست که در دوران اوج بحران، سیاست‌های حمایتی توجیه‌پذیر بود، اما امروز ما در حال خروج از بحران هستیم و این رویه عقلانی نیست. انواع مشخص و متداول محدودیت‌های تجاری بنا به گزارش ناظران سازمان تجارت جهانی از این قرارند:

افزایش تعرفه واردات و صدور مجوز غیر خودکار<sup>۱</sup> برای واردات و محدودیت‌های جدید صادراتی. بنابر این مهم این است که جلوگیری از تشدید نظارت و مراقبت‌های حاد تجاری را در دستور کار خود قرار دهیم تا اوضاع از این بدتر نشود. خطر اصلی این است که محدودیت‌های تجاری از سوی یک کشور به محدودیت‌های بیشتر از سوی کشورهای دیگر دامن خواهد زد» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۰/۴/۲، ص ۵).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی نیز سیاست‌های حمایتی اتخاذ کرده‌اند و بازارهای خود را به رایگان در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند. آنها نه تنها در زمان رکود، بلکه در دوران خروج از رکود نیز همچنان به «توازن‌بخشی» بین سیاست‌های حمایتی با سیاست‌های تجاری توجه و تأکید دارند. اما متأسفانه ج.ا.ایران که حتی عضو سازمان تجارت جهانی نیز نمی‌باشد، بدون توجه به سیاست‌های قیمت‌گذاری مناسب، بازارهای داخلی را رها، تعرفه‌ها را کاهش و تمامی فرصت‌ها را در اختیار شبکه‌های بین‌المللی واردات کالا که برای دیگر کشورها بیشترین ارزش افزوده را دارد، قرار داده است.

1. Non-automatic

ارتقاء بهره‌وری، سرمایه‌گذاری‌های مشترک، افزایش ظرفیت‌های داخلی و رشد اشتغال باشد و فرصت‌های مناسب را برای کشور به همراه آورد. یک‌سونگری در سیاست‌های تعرفه‌ای، نه تنها اشتغال داخلی را افزایش نخواهد داد بلکه حفظ سطح موجود اشتغال را هم مشکل خواهد ساخت. بدیهی است که آثار نگرانی‌های مزبور را نمی‌توان در روزگاری که دوران افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت می‌باشد، لمس کرد، اما ابعاد آن در هنگام ظهور و بروز شوک‌های قیمتی نفت یا تحریم‌ها همراه با کاهش قابل توجه درآمدهای نفتی باشد، آشکار خواهد گردید.

در بخش پایانی این مقاله به موضوع طرح قانون هدفمندی یارانه‌ها و چشم‌انداز تأثیر آن بر امنیت غذایی کشور اشاره می‌شود. می‌دانیم که در دوران جنگ تحمیلی برقراری و افزایش یارانه‌ها از جماعت عمومی برخوردار بود، اما بعد از خاتمه جنگ و در زمان فعالیت دولت پنجم تفکر حذف تدریجی یارانه‌های غیرضرور تقویت گردید و علی‌رغم عدم موافقت بعضی محافل به‌صورت محدود به اجرا گذارده شد. در دولت هفتم و در ماده ۳ قانون برنامه چهارم اجرای طرح قانون هدفمندی یارانه‌ها طی یک زمان‌بندی

تمامی این وضعیت‌ها از جمله آثار و عواقب عدم توجه به اصلاحات ساختار اقتصادی خصوصاً در بخش کشاورزی می‌باشد که در عرصه داخلی تولیدکنندگان و کشاورزان را ناراضی و در عرصه بین‌المللی، تهدیدات «جهانی‌شدن» را تشدید می‌نماید. قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند بسترساز اصلاحات ساختاری در عرصه اقتصاد ملی و همچنین بخش کشاورزی باشد، به نحوی که یکی از وجوه آن معطوف به حمایت از تولید کالاهای حساس همچون اقلام مؤثر در امنیت غذایی گردد. در صورتی که از تولیدکنندگان حمایت نشود، باید انتظار کاهش تولید و افزایش واردات را داشت.

سیاست‌های تعرفه‌ای، هرگاه با استراتژی‌های همه‌جانبه «توازن‌بخشی» میان حمایت‌های داخلی با تجارت خارجی و همچنین میان فرصت‌ها و تهدیدات «جهانی‌شدن» نباشد، به امری یکسویه و تک‌بعدی تبدیل شده که صرفاً در پی رفع نیازهای مقطعی شهروندان و پاسخ به تقاضای داخلی می‌باشد. حال آنکه سیاست‌ها و ابزارهای تعرفه‌ای باید بسترساز ورود «فعالانه» به بازارهای جهانی و بهره‌گیری از فرصت‌های مهمی همچون بازاریابی، بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته،

پنج‌ساله مصوب گردید، اما مجلس هفتم با تصویب قانون تثبیت قیمت‌ها اجرای آن را معطل گذارد تا اینکه دولت نهم پس از پیشنهاد و تصویب «قانون هدفمند کردن یارانه‌ها» از آذر ۱۳۸۹ آن را به اجرا درآورد. مقدمتاً اجرای قانون در مورد دو کالای عمده... انرژی (شامل بنزین، گازوئیل، گاز و سایر مشتقات نفتی و برق) و نان شروع گردید. تردیدی نیست که قانون هدفمندی یارانه می‌تواند بستر ساز اصلاحات ساختاری در عرصه اقتصاد ملی و بخش کشاورزی باشد. متأسفانه به دلیل آنکه رویکرد مجریان دولت نسبت به قانون مزبور، عمدتاً معطوف به آثار «بازتوزیعی» و همچنین کارکردهای «بودجه‌ای» شده، از اقدامات اصلاحی در عرصه‌های «ساختار» اقتصادی و خصوصاً در بخش کشاورزی، غفلت گردیده است. این امر موجب شده که دولت به انگیزه‌های تولیدکنندگان توجهی نداشته و با بهره‌گیری از ارزهای هنگفت حاصل از صادرات نفت، کماکان به واردات کالا بپردازد. آمار واردات چهار ماهه ۱۳۹۰ نیز گویای این وضعیت است که تداوم آن، شرایط نامناسب‌تری را برای امنیت غذایی ج.ا.ایران به وجود خواهد آورد. البته مسئولان ستاد هدفمندی یارانه‌ها، پس از گذشت ۶ ماه اظهار داشتند که مصرف

گندم کشور ۳۰ درصد کاهش داشته (آقای محمدرضا فرزین دبیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها، مصاحبه با شبکه ۶ صدا و سیما، مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۷ ساعت ۱۰:۳۰) و معاون وزیر بازرگانی نیز در مصاحبه تلویزیونی مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ و نیز در مصاحبه با روزنامه دنیای اقتصاد مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ ضمن تأیید کاهش ۳۰ درصد مصرف گندم خوراکی، مطالبی به شرح نگاره شماره (۸) بیان داشت.

#### نگاره شماره (۸). مصرف سالانه و سرانه

##### گندم خوراکی طی سنوات مختلف

سال	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷
گندم خوراکی (میلیون تن)	۶/۴	۸/۷	۹-۱	۱۰
مصرف سرانه (کیلوگرم سالانه)	۸۵	۱۰۴	۱۳۹	۱۶۱

مطابق اظهار نظری وی، مصرف گندم کشور در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به ترتیب ۳۶، ۲۹/۶ و ۲۶/۴ درصد کاهش نشان می‌دهد.

اگرچه ارزیابی در تأثیر ای قانون بر مصرف و تولیدات کشاورزی مستلزم سپری شدن زمان بیشتری از اجرای قانون و انجام بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی مرتبط با آن می‌باشد؛ با این حال از این نکته مهم نباید غفلت شود که از آنجا که گندم و نان قسمت اعظم انرژی (قریب ۴۰ درصد) و پروتئین (۵۰ درصد)

سیاسی محسوب می‌شود. مضافاً «امنیت غذایی»، یکی از مؤلفه‌های مهم و حساس «امنیت ملی» می‌باشد.

۲- متأسفانه روند ضریب تأمین امنیت غذایی در سال‌های اخیر روبه کاهش نهاده است که امری نگران کننده می‌باشد.

۳- ریشه اصلی روند مزبور را باید در فقدان جامع‌نگری سیاست‌گذاری‌ها در ایجاد انگیزه مناسب برای تولیدکنندگان و همچنین تعرفه‌های نادرست برای واردات اقلام کشاورزی جستجو نمود.

۴- افزایش درآمدهای ارزی در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۲ نیز موجب افزایش واردات برای جبران کاهش تولیدات داخلی محصولات کشاورزی شده است و این امر زمینه‌ساز غفلت‌های هر چه بیشتر در خصوص ضریب امنیت غذایی گردیده است.

۵- بازتاب عناصر مذکور، در کاهش ضریب خودکفایی کالاهای اساسی و همچنین منفی شدن تراز تجاری

مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند، کاهش سریع مصرف سرانه از نظر وقوع و یا افزایش سوء تغذیه خاص در بین اقشار آسیب‌پذیر که مصرف گندم بیشتری در جیره غذایی خود دارند، جای سؤال و نگرانی دارد. عدم ارائه الگوی جایگزین توأم با روند افزایشی قیمت‌های جاری مواد غذایی لزوم توجه جدی و مستمر به این نکته مهم تا اطمینان به رفع نگرانی را خاطر نشان می‌سازد.

نتیجه بررسی مشترک انستیتو تغذیه دانشگاه علوم پزشکی در سال ۸۰-۱۳۷۹ نشان داد که ۲۳ درصد جمعیت کشور دچار سوء تغذیه می‌باشند و تحلیل آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۷ نشان‌گر آن است که حداقل ۳ تا ۴ دهک جامعه مشکل تغذیه دارند. بنابراین رصد کردن مستمر نحوه تغذیه مردم آن هم در فضای هدفمندی یارانه‌ها ضرورتی انکارناپذیر است تا خدای ناخواسته در آینده با خسارت جبران‌ناپذیر جسمی و ذهنی مردم روبه‌رو نشویم (تأثیر اجرای قانون هدف‌مندی یارانه‌ها بر مصرف گندم، مرکز تحقیقات استراتژیک، تیر ۱۳۹۱).

## فرجام

۱- تأمین «امنیت ملی» یکی از اهداف کلان نظام‌ها و حاکمیت‌های

کل در طی برنامه چهارم تبلور پیدا کرده است.

۶- برای عبور از چالش‌های موجود در وضعیت امنیت غذایی در ج.ا.ایران نیاز اساسی به تجدید نظر در وضع سیاست‌گذاری‌های قیمت‌گذاری و تجدید نظر در وضعیت سیاست‌های وارداتی و تعرفه‌ای وجود دارد. این رویکرد افزایش انگیزه برای تولید را دامن خواهد زد و نتیجه طبیعی آن افزایش تولیدات اقلام اساسی کشاورزی و افزایش ضریب امنیت غذایی خواهد بود.

۷- تأیید فرضیه مقاله حاضر، مترادف با آن است که فقدان سیاست‌گذاری‌های مناسب در ایجاد انگیزه برای تولیدکنندگان، زمینه‌های افزایش واردات و کاهش ضریب خودکفایی و امنیت غذایی را فراهم ساخته و مضافاً تداوم وضع موجود، چشم‌انداز آتی امنیت غذایی در ج.ا.ایران را نگران‌کننده می‌نماید.

### منابع فارسی

۱. تأثیر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بر مصرف گندم، مرکز تحقیقات استراتژیک، تیر ۱۳۹۱
۲. حقوقی، مرتضی (۱۳۸۸)، *صنعت قند در ایران*.
۳. خضری، محمد (۱۳۸۳)، *آثار پیوستن ج.ا.ایران به W.T.O*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. دفتر آمار سازمان توسعه و تجارت (۱۳۹۰)، *آمار صادرات و واردات کالاهای اساسی*، تهران: سازمان توسعه و تجارت.
۵. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۹)، *قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۶. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)، *قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۷. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸)، *قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۸. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۴)، *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۹. فانو (۱۳۷۸)، *ارزیابی وضعیت امنیت غذایی جهان*، ترجمه فرزانه عبادی، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۱۰. قاسمی، حسین (۱۳۷۳)، تعاریف و مبانی نظری امنیت غذایی، تهران: *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه‌های* (ویژه‌نامه امنیت غذایی)، سال دوم، شماره چهارم.
۱۱. قریب، حسین (۱۳۸۵)، *جهانی شدن و چالش‌های امنیت اقتصادی ج.ا.ایران*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.



۱۲. گمرک ج.ا.ایران (۱۳۹۰)، *آمار صادرات و واردات*، تهران: انتشارات گمرک ایران.
۱۳. گیلان پور، احمد (۱۳۸۳)، *چگونگی استفاده از تعرفه برای حمایت از بخش کشاورزی*، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۱۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، *نگاهی به راهبردهای اصلی بخش کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در بیست سال گذشته*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۵. نوری نائینی، محمدسعید (۱۳۷۸)، *امنیت غذایی و توسعه کشاورزی* (مجموعه مقالات)، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۱۶. هیگات، ریچارد (۱۳۸۴)، *اقتصاد سیاسی جهانی شدن*، ترجمه وحید بزرگی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

### منابع لاتین

17. FAO, (1998), *Year Book. Production*, Vol. 51, Rom.
18. Freebairn.J, (1986), *Implication of Wages and Industrial Policies on Competitiveness of Agricultural Export Industries*, Paper Presented at the Australian Agricultural Economics Society Policy Forum, Canberra.
19. *Human Development Report*, (1999 and 2001) NewYork, Oxford University.
20. Nicita.A, (2001), *Trade and Production*, NewYork, Press World Bank

